

فضائل فاطمه زهراء علیها السلام

ابو عبد الله حاکم نیشابوری
از علمای برجسته اهل سنت (۴۰۵ هـ)

مترجم: جابر رضوانی

سرشناسه: حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۳۲۲۱ - ۴۰۵ ق.
 عنوان قراردادی: فضائل فاطمة الزهراء (س). فارسی
 عنوان و نام پدیدآور: فضایل فاطمه زهرا (علیها السلام) / تالیف حاکم نیشابوری؛
 ترجمه جابر رضوانی.
 مشخصات نشر: قم: بنی الزهراء (علیها السلام)، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.
 شابک: ۷-۴۹-۵۰۵۲-۶۰۰-۹۷۸ قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۹۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - فضایل
 موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۹۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - احادیث
 شناسه افزوده: رضوانی، جابر، ۱۳۵۰ - مترجم
 رده بندی کنگره: ۲۶۶/۲۶۶ ج ۴۱: ۱۳۹۰
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۲۴۱۸۷



نام کتاب: فضائل فاطمه زهراء (عجها السلام)

تالیف: حاکم نیشابوری

مترجم: جابر رضوانی

ناشر: انتشارات بنی الزهراء (علیها السلام)

لینوگرافی، چاپ و صفحه‌بندی: ساجان / جزایری

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۷-۴۹-۵۰۵۲-۶۰۰-۹۷۸

بنی الزهراء (عجها السلام)

چاپ و نشر و توزیع

دفتر مرکزی:

قم، میدان شهداء، خیابان معلم، بعد از اداره برق، طبقه فوقانی چاپ جزایری

تلفن: ۷۷۳۱۷۵۲ - ۷۸۳۶۳۰۰ - ۲۵۱

همراه: ۹۱۲۳۵۱۴۱۸ - (جزایری) - ۹۱۲۷۴۶۲۱۵۳ (معینی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریظ

حضرت آية الله مفتی سید طیب آقا الموسوی الجزایری

الحمد لله وكفى و سلام على عباده الذين اصطفى لاسيما سيدنا محمد المصطفى و آل المقربين.

(أما بعد) شأن حضرت رسول الله ﷺ نه فقط از همه زنان جهان بلندتر است، بلکه از همه مردان جهان بلندتر است. (بجز پدر بزرگوارش و شوهر نامدارش) زیرا پیامبر اسلام ﷺ فرمود: (لَوْ لَمْ يَكُن عَلِيٌّ لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كَفْوٌ آدَمَ وَمِنْ دُونِهِ) (۱)

نیز حضرت فرمود: (فاطمة أم أبيها) (۲)

برای عظمت حضرت فاطمه علیها السلام همین بس است که همه عالم تعظیم حضرت محمد مصطفی ﷺ می کنند و حضرت محمد مصطفی ﷺ برای تعظیم فاطمه علیها السلام از جا برمی خاست. (۳)

این جاست که شاعر گفته و چه خوب گفته:

لها جلالٌ ليس فوق جلالها الا جلال الله جلّ جلاله

لها نوالٌ ليس فوق نوالها الا نوال الله عمّ نواله

۲ - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.

۱ - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰.

۳ - مناقب ابن مغازلی شافعی، ص ۳۶۴.

فاطمه (علیها السلام) نه تنها «أم أیها» است بلکه «أم الأئمة» نیز است.

فاطمه (علیها السلام) أم المعاجز

این جا است که باید او را «أم المعاجز» نیز نامید، زیرا یازده تن از امامها اولادش هستند، هر کدام از آنان بجای خود یک معجزه بزرگ الهی هستند، به همین جهت خدا آنان را در قرآنش، به آیات نامیده است: (إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحْ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ) (۱)

ائمه اطهار (علیهم السلام)، حضرت فاطمه (علیها السلام) را به قدری تعظیم می کردند که بر خود حجت حای می دانستند، همانگونه که امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود:

«نحن فجع الله على خلقه و جذتنا فاطمة حجة علينا» (۲)

حضرت زهرا (علیها السلام) معجزات زیادی دارد: یکی از معجزاتش این است، آنهایی که حق شوهرس را کردند، خانه اش را آتش زدند، پهلویش را شکستند، محسنش را کشتند، از میراث پدرش محروم شدند، تابعین آنها در کتابهای خود بلندترین فضائل برای حضرت زهرا (علیها السلام) ذکر نمودند، مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، ینابیع المودة، مطالب السؤل، ذخائر العقبی، مودة القربی وووو.

حال بگوئید آیا این معجزه نیست پس چیست؟ که صحیح بخاری سیادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را به سه عبارت نقل می کند، در کتاب بدء الخلق باب علامات النبوة ج ۴، ص ۱۸۳ چاپ استانبول آمده است که قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): (فاطمه سيدة نساء اهل الجنة) در همین جا می نویسد که (و فاطمة سيدة نساء المؤمنین) و در کتاب استیذان باب من ناجی بین یدی الناس ج ۷، ص ۱۴۲ آمده است: (فاطمه سيدة نساء هذه الامة).

در حالی که برای عائشه در بخاری فقط یک حدیث است، آنهم چه حدیثی.
ملاحظه فرمائید:

قال رسول الله ﷺ : (فضل عائشة على النساء كفضل الثريد على الطعام)^(۱)

علماء اهل سنت در فضائل اهل بیت اطهار علیهم السلام کتابهای زیادی نوشته‌اند، بسیاری از آنها چاپ شده و بسیاری از آنها به چاپ نرسیده یا چاپ شده ولی نسخه‌اش نایاب شده مانند «سرالشهادتین فی شهادة الحسن و الحسين» تألیف عبدالعزیز محدث دهلوی یا کتاب «ارجع المطالب فی عد مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام» تألیف عبیدالله امرتسری یا کتاب «کوکب درّی» ترجمه «فضائل مرتضوی» تألیف الاصلاح کشفی.

الحمد لله که مؤسسه ما «مؤسسه علوم آل محمد علیهم السلام» را خدا این توفیق عنایت فرمود که این سه کتاب را با حاشیه و حواشی این حقیر به چاپ برساند. و از همین کتابهای اهل سنت در باب اهل بیت علیهم السلام نوشته شده و الآن در دسترس نیست کتاب حاضر بنام «فضائل قراطمة علیه السلام» تألیف ابو عبدالله محمد حاکم نیشابوری (۳۲۱-۴۰۵) نیز می‌باشد.

تحقیق مذهب حاکم نیشابوری

حاکم نیشابوری از محدثین قدام اهل سنت است، مقام و جلالت ایشان از کتاب «مستدرک الصحیحین» ظاهر می‌شود، زیرا در آن احادیث زیادی در شأن اهل بیت طاهرین علیهم السلام ذکر نموده است که آن‌ها را شیخین (بخاری و مسلم) بر بنای تعصب حذف نموده بودند، در حالی که آن احادیث بر مبنای خودشان صحیح بودند، لذا بدین جهت است که بعضی‌ها حاکم را شیعه گفتند، اگر علماء اهل سنت این عمل را انجام می‌دادند (یعنی حاکم نیشابوری را شیعه می‌گفتند)

جای تعجب نبود زیرا آنها در چنین مواردی برای حفظ مذهب خود غیر از این کار راهی ندارند، بدینجهت آنان ابن حجر مکی مؤلف کتاب «صواعق محرقة» را نیز منسوب به تشیع کردند چون او در این کتاب خود بهترین احادیث در شأن اهل بیت (علیهم السلام) را آورده در حالی که او کتاب «صواعق محرقة» را در رد مذهب شیعه نوشته است چنانکه از نام کتاب نیز ظاهر است.

ولی از محدث شهر شیخ عباس قمی (علیه الرحمة) تعجب است که ایشان چگونه حاکم را در کتاب کنی و الاقبا (ج ۲ ص ۱۵۵) نه فقط شیعه شمرده بلکه گفته «هو من ابطال الشيعة و سدة الشريعة» در حالی که همه علماء اهل سنت او را سنی می دانند چنانچه خطیب بغدادی در تاریخش گفته: «انه كان ثقة صدوقاً دينياً روى عن جماعة من الحفاظ منهم أبو نعیم اصفهانی صاحب کتاب حلیة الاولیاء»^(۱). اگر حاکم شیعه بود خطیب بغدادی او را هرگز بلفظ «دیناً» یاد نمی کرد.

اینجا باید یادآوری کنم که خطیب بغدادی شخص معمولی نیست کتاب «تاریخ بغداد» را در بیست جلد نوشته و اکثر وقایع اسلامی و شخصیات اسلامی را در این کتاب آورده، اگر حاکم شیعه بود ابونعیم اصفهانی از او روایت نمی کرد. ابونعیم نیز شخص معمولی نیست کتاب «حلیة الاولیاء» را در چندین جلد نوشته.

همین طور ابن خلکان صاحب کتاب مشهور و مبسوط «وفیات الاعیان» درباره او می گوید: «كان امام اهل الحديث في عصره و المؤلف فيه الكتب التي لم يسبق الي مثلها عالماً عارفاً»^(۲) اگر حاکم شیعه بود ابن خلکان هم او را «عارف» نمی شمرد.

و لازم بذکر است که علامه میرزا محمد باقر خوانساری که ایشان متخصص علم رجال می باشد، نیز در کتابش «روضات الجنات» حاکم را تجلیل نموده

ولی او را شیعه نگفته است.

بلو، ابن حجر عسقلانی در کتابش «لسان المیزان» پس از این که او را تجلیل و توصیف نموده او را شیعه گفته عبارتش این است:
«... الحافظ، صاحب التصانیف امام صدوق... و انه أجل قدراً و أعظم خطراً و أكبر ذكراً من أن يذكر في الضعفاء»

بعد از این همه ثناء و صفت می گوید: «لكنه يصحح في مستدرکه أحاديث ساقطة... ثم هو شيعي مشهور بذلك، قد قال أبو طاهر سألت أبا اسماعيل عن الحاكم فقال امام في الحديث رافضي خبيث» تا اینکه می گوید: «قلت ان الله يحب الانصاف ما الرجل برافضي بل شيعي فقط»^(۱)

حال شما ببینید که ابن حجر عسقلانی یک بار خودش می گوید که حاکم امام بود، صدوق بود انبیا این توصیف و تجلیل می گوید: «لكنه يصحح في مستدرکه أحاديث ساقطة» آیا این سخن او ضد و نقیض نیست؟ مراد ابن حجر از «احادیث ساقطة» همان احادیث ضعیف اهل بیت طاهرین علیهم السلام می باشد، که آنها را شیخین در بخاری و مسلم بر بنای تعویب وارد کردند در حالی که علی شرط الشیخین صحیح هم بودند، ولی تنها عیب آن احادیث بر بنای عقیده شان این بوده که در مدح اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله می باشند.

آنهایی که با اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله عناد دارند حتی امام سوم شان (محمد بن ادریس شافعی) را هم نه بخشیدند و گفتند: امام شافعی هم رافضی شده است تا اینکه شافعی فریاد زد:

يا ركباً قف بالمحصب من منى واهتف بساكن خيفها والناهضی

لو كان الرفض حب آل محمد فليشهد الثقلان أنى رافضی

بنابراین ما به سنیها کار نداریم البته خدمت علماء شیعه عرض پردازیم که

خدا را! علماء سنی را بمحض این که مدح اهل بیت علیهم السلام را کردند شیعه نگویند ورنه عمر را نیز شیعه بگویند زیرا او نیز بارها فریاد زد: «لولا علی لهلك عمر»

لطیفه

هنگامیکه بنده در خارج بودم یک نفر از مخالفین گفت: «قاتلان امام حسین علیهم السلام همه شیعه بودند، خودشان حسین را کشتند و خودشان نیز گریه می کنند.»

گفتم: آیا شما شیعه بود؟ گفت: بلی

گفتم: شما به امر که حسین را شهید کرده بود؟ گفت: به امر پسر سعد.

گفتم: آیا شما شیعه بود؟ گفت: بلی

گفتم: پسر سعد را که امر کرده بود که حسین را شهید کند؟ گفت: ابن زیاد

گفتم: او هم شیعه بود؟ گفت: بلی

گفتم: ابن زیاد را که امر کرده بود؟ گفت: یزید

گفتم: آیا یزید هم شیعه بود؟ حالا او خاموش شد.

گفتم: بگو که یزید هم شیعه بود تا سؤال کم که یزید را پدرش معاویه

خلافت داده بود، آیا او هم شیعه بود؟

معاویه را عمر حکومت داده بود، آیا عمر هم شیعه بود؟

پس همه شیعه بودند آن وقت سنی ها کجا بودند؟ اگر بودند پس چرا

حسین علیهم السلام را از دست شیعه ها نجات ندادند؟

و اگر نبودند پس حالا از کجا آمدند؟

شخصی کسی را با چاقو کشت و نفر دیگری نگاه می کرد، این جریان را

خدمت حضرت علی علیهم السلام آوردند، حضرت فیصله نمود که قاتل کشته شود، و

ناظر چشمش کور شود. حالا حکم سنی ها چیست که نظاره گر قتل حسین بودند

و کاری نکردند.

حقیقت معنای شیعه

لفظ «شیعه» دو معنی داشت، یکی خاص، دومی عام، خاص در زمان رسول الله ﷺ بود دومی عام در زمان معاویه حادث شد.

در زمان رسول الله ﷺ معنای شیعه همان بود که حالا است، یعنی علی علیه السلام را خلیفه بلا فصل دانستن و از جمله دشمنانش بیزاری جستن. چنین شیعه را رسول الله ﷺ فرموده: «شیعة علی هم الفائزون يوم القيامة»^(۱).

معنای دوم شیعه در زمان معاویه ظاهر شد، هنگامی که معاویه در مقابل حضرت علی علیه السلام سرکشی کرد، آن وقت مسلمانها دو دسته شدند، قسمتی از مردم با علی علیه السلام شدند و قسمتی دیگر با معاویه. آنهایی که با علی علیه السلام بودند آنان را «شیعه علی» نامیدند و آنهایی که با معاویه بودند «شیعه معاویه و شیعه عثمانی» گفتند. زیرا معاویه به بهانه انتقام از خون عثمان قیام کرده بود.

پس در لشکر حضرت علی علیه السلام غالباً همین شیعیان قسم دوم بودند که حضرت را هم قبول داشتند. تا آنکه خلافت ابوبکر و عمر نیز بودند، آنان زیر پرچم حضرت علی علیه السلام به سبب محبت و اخلاص به حضرت علی علیه السلام جمع نشده بودند بلکه به سبب ضدیت با معاویه جمع شده بودند، و این جا بود که ضرب المثل گفته شد «لا حبّ علی بل لبعض معاویه» و همین ها بودند هنگامی که معاویه در جنگ صفین قرآنها را بر نیزه ها بلند کرد، از جنگ دست برداشتند و اصرار بر حکمیت کردند و راضی نشدند که ابن عباس حکم کند و ابوموسی اشعری که هم مسلک شان بود او را حکم قرار دادند (الی آخره).

از این جا معلوم شد که عسقلانی مؤلف لسان المیزان درباره حاکم نیشابوری در عبارت گذشته چرا گفته: «ما الرجل برافضی بل شیعی فقط» یعنی «حاکم» مذکور از شیعیان به معنی اول نبوده تا رافضی باشد، بلکه شیعه به معنی دوم بوده (یعنی خلافت عمر و ابوبکر را قبول داشته).

لهذا معلوم شد که حاکم نیشابوری یک عالم سنی تمام عیار است و نسبت تشیع به ایشان ساقط از اعتبار است، بنابراین بر نوشتن این کتاب (فضائل فاطمه علیها السلام) لایق تعریف و پرافتخار است.

بنده جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای جابر رضوانی (زاد الله هممه و بارک قلمه) را تجلیل و تکریم می‌کنم که ایشان موفق شدند این کتاب مفید را نه فقط از نابودی نجات دهند، بلکه ترجمه‌اش هم کردند و پاورقیهای لازم را نیز نوشتند، خداوند جلّ و علا ایشان را بهترین جزا بدهد و با خدمت گذاران حضرت فاطمه زهراء علیها السلام و اولاد طاهرینش علیهم السلام محشور فرماید. آمین.

(ترجمه لازم)

در آخر، این هم باید عرض کنم که تمام مندرجات این کتاب صحیح و حجت نیستند زیرا اصواف سنی است لذا خیلی مطالب را حسب مذاق خود نوشته و در بعضی جاها ترجمه محترم بر آن پاورقی هم نوشته است، مثلاً تعدد بنات رسول اکرم صلی الله علیه و آله یا ولادت حضرت زهراء علیها السلام در سن بیست و هشت سالگی، بنابراین قارئین محترم بر «خدوا صابا و مع ما کدر» عمل فرمایند.

(مفتی) سید طیب آقا الموسوی الجزائري

کتابه فی عش آل محمد قم مشرفه (۴ ماه رمضان مبارک ۱۴۳۳)

مقدمه

سرور بانوان عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به آن تصریح کرده و حتی خشم و غضب آن حضرت موجب خشم و غضب الهی می گردد. بانویی با چنین عظمت که سرور خلقت عالم است دوست و دشمن وقتی می خواهند درباره اش اظهار نظری بکنند زبانشان جز به عظمت و بزرگواری آن علیها السلام نگشوده نمی شود. چنانکه عائشه می گوید: «کنا نخیط و نغزل و نظم الإبرة باللیل فی نحو وجه فاطمة علیها السلام؛ شب هنگام ما با نور صورت حضرت فاطمه علیها السلام خنجر می کشیدیم و بر سوزن نخ می زدیم» (۱) و یا در روایتی دیگر آمده است که عائشه بر پدرش ابوبکر وارد شد و گفت: ای پدر! از فاطمه امری عجیب مشاهده کردم! دیدم در حالی که دیگ بر روی آتش می جوشید فاطمه دستش را بر داخل دیگ کرده و آن را به هم می زد. ابوبکر به او گفت: ای دختر! این امر را پنهان بدار که آن اتفاقی عجیب است. (۲)

شگفتی های فراوانی که از آن حضرت نمایان شده و حدیث های بی شماری که در کتاب های فریقین درباره بی بی دو عالم وارد شده آزادگان را بر آن داشته است که هر کدام کتابی درباره ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بنگارند که از جمله آنها کتاب فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام حاکم نیشابوری است که از برای

۱. اخبار الدول و آثار الملل، احمد بن یوسف الدمشقی، ص ۸۷، طبع بغداد - احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۲۴۴ - فاطمة زهرا بهجة قلب المصطفى، ج ۱، ص ۱۸۰

۲. الثاقب فی المناقب، ص ۲۹۳ - عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۱۹۸

دفاع از شخصیت والای آن حضرت نگاشته است که در مقدمه خود بر همین کتاب آن را بیان می‌دارد.

این کتاب ارزشمند که جزء کتاب‌های مفقود شده حاکم به شمار می‌رفت و بزرگانی که از کتاب‌های او نام می‌بردند از این کتاب که در دسترس نیست نام می‌بردند تا اینکه اخیراً در کتابخانه «ملت کتب خانه» در آنکارا به شماره (۹۵۰ HK ۵۵) از ورقه (۲۰۲۰-۱۸۲) ثبت شده است.

این کتاب در سال ۲۰۰۸ به کوشش علی رضا بن عبدالله بن علی رضا و توسط انتشارات الفرقان در قاهره منتشر شده است.

کتابی که در این اثر دایره ترجمه فضائل فاطمة الزهراء (علیها السلام) است که به دست ناتوان این جانب آماده چاپ شده است. پاورقی‌هایی که بعضاً در ترجمه ارائه گردیده از مترجم می‌باشد.

و تذکر دیگر اینکه در ترجمه سند احمدی که در اعتبار متن حدیث نقش اساسی دارد برای روان‌تر شدن ترجمه «حدیثی و با حدیثنا و ...» را به صورت «فلائی از فلائی» ترجمه شده است. به طور مثال سند «حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ الدَّوْرِي، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْوَاسِطِي، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ، عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ الْمَسِيْبِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ قَعِيْسٍ، عَنْ نَافِعٍ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ» به «ابو عباس محمد بن یعقوب از عباس بن محمد دوری از یحیی بن اسماعیل واسطی از محمد بن فضل از علاء بن مسیب از ابراهیم بن قعیس از نافع از ...» ترجمه گردیده است.

و دیگر اینکه قصد ما فقط ترجمه کتاب و ارائه آن به جامعه کتاب دوست و عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) بوده است و روایت‌های زیادی هم در متن کتاب آمده که با عقاید و اعتقادات ما شیعیان اختلاف فراوانی دارد و با روایاتی که از امامان (علیهم السلام) رسیده همخوانی ندارد ولی بخاطر

از مواقع پاورقی هم در حد اشاره آورده شده است.
اگر نقصی در ترجمه باشد که هست از خوانندگان گرامی طلب عفو دارم باشد
که این اثر سند آزادی ما در هنگام سختی مرگ، عالم تاریک قبر و مجوزی از
برای عبور از روی صراط گردد ان شاء الله.

جابر رضوانی / شهر مقدس قم

مورخه ۱۳۹۰ / ۹ / ۲۶

مطابق با ۲۱ / محرم الحرام / ۱۴۳۳

www.ketab.ir

نگاهی به زندگی حاکم نیشابوری

نام و نسب خاندان

نام او محمد، نام پدرش عبدالله بن محمد است. کنیه او ابو عبدالله و القابش «ابو عبدالله الحاکم» و «ابن البیع»^(۱) که از شغل نیاکان او خبر می‌دهد. و دیگر القاب او را «النجیب»، «الطهمانی»، «امام المحدثین»، «النیشابوری»، «الحافظ» و «الحاکم» نوشته‌اند.

تولد و وفات

حاکم در روز دوشنبه سوم ربیع الاول سال ۳۲۱ هجری در نیشابور متولد شد و در چهارشنبه سوم یا هشتم^(۲) صفر سال ۴۰۵ در همین شهر در حالی که از حمام بیرون آمده بود و هنوز لنگ حمام را از خود باز نکرده بود تا جامه‌اش بپوشد به سگته درگذشت. او را در نیشابور به خاک سپردند و قاضی ابوبکر حیرری یکی از مشاهیر زهاد و علمای عصر بر او نماز گذارد.

ابو عبدالله حاکم هشتاد و چهار سال عمر کرد و تقریباً هفتاد و پنج سال از این

۱. (بیع) یا بایع که گاه (بیاع) هم خوانده می‌شده است به گفته سماعی در کتاب الانساب به معنی کسی است که در کاروانسراها و (خان)های محل کار و تجارت بازرگانان میان فروشندگی و خریدار واسطه است و این شغل را (بیاعه) نامیده‌اند.

۲. طبقات الشافعیه، ج ۴، ص ۱۶۱

فهرست مطالب

۳	مقدمه حضرت آیه الله جزائری (دام ظلّه).....
۵	تحقیق مذهب حاکم نیشابوری.....
۷	لطیفه.....
۸	حقیقت معنای شیعه.....
۹	توجه لازم و ضروری.....
۱۰	مقدمه مترجم.....
۹	نگاهی به زندگی حاکم نیشابوری.....
۹	نام و نسب خاندان.....
۹	تولد و وفات.....
۱۰	سفرها و استادان.....
۱۰	حاکم و قضاء شهر نسا.....
۱۱	مقام علمی او.....
۱۱	آثار حاکم.....
۱۷	مقدمه مؤلف.....
	روایتی که دلالت می کند فاطمه زهرا علیها السلام پاره تن رسول خدا است، هر
	کس او را آزار دهد رسول خدا صلی الله علیه و آله را آزار رسانده و هر کس او را به
۲۷	سختی اندازد رسول خدا را به سختی رسانده است.....
	ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا علیها السلام : رسول خدا به مسافرت
	نمی رفت و بر نمی گشت مگر آنکه قبل از همه مردم آخرین نفر هنگام

- رفتن و اولین نفر هنگام برگشتن او را دیدار می کرد. ۲۷
- ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : منادی روز قیامت ندا می کند «چشم هایتان را ببندید که فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله) از صراط عبور کند» ۲۹
- ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : اکرام کردن حضرت فاطمه (علیها السلام) در محشر است در حالی که برای احدی از دیگر خلایق این چنین وارد نشده است. ۳۱
- ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنگام رحلتش تنابه را بر سر او انداخت و فرمود: «این را بر او انداختم تا او را از اهل بیتش جدا کند» ۳۱
- ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنگام رحلتش تنها به او اسرارش را بیان کرد و فرمود: «اولین نفر از اهل بیتش هست که به او ملحق می شود» ۳۳
- ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : آن حضرت سرور زنان دو عالم است. ۳۷
- ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : اینکه آن حضرت سرور زنان اهل بهشت است. ۴۱
- فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : پروردگار با خشم و غضب او خشمگین و با رضای او راضی می گردد. ۴۷
- فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : آن حضرت شبیه ترین مردم به رسول خدا در گفتار بود، و هر وقت رسول خدا دخترش را می دید او

۴۹	رامی‌بوسید
	فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا علیها السلام : آن حضرت دوست داشتنی‌ترین
۴۹	مردم در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود
	فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا علیها السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ زنی را بر
۵۳	حضرت فاطمه و مریم و خدیجه و آسیه برتری نمی‌داد
	فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا علیها السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله هر وقت او را
۵۷	می‌بوئید مانند اینکه بوی بهشت را از او استشمام می‌کرد
	ذکر فضیلتی دیگر برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام : نازل شدن آیه‌ای از
۵۹	آیات قرآن در شأن آن حضرت
	ذکر فضیلتی دیگر برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام : در روز قیامت از
	میان زنان امت ناهای به آن حضرت اختصاص پیدا می‌کند، در حالی
۵۹	که مردم در محشر هستند
	ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا علیها السلام : آن حضرت دوست
۶۱	داشتنی‌ترین شخص از هر حاضر و غائبی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود
	ذکر فضیلتی والا برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام : آیه «آتِ الذَّالِقَرَبِی»
۶۱	درباره او نازل شده است نه غیر از او
	ذکر فضیلتی برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام : آن حضرت عالم‌ترین زنان
۶۳	در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود
	ذکر فضیلتی دیگر برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام : آن حضرت جزئی از
۶۵	وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله بود

ذکر فضیلتی دیگر برای حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) : آن حضرت گرامی ترین مردم نزد اصحاب بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود..... ۶۷

ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : آن حضرت صدیقه نامیده شده است..... ۶۷

ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : آن حضرت فاطمه نامیده شده چون خداوند او و ذریه اش را از آتش جهنم در امان می دارد..... ۷۱

ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : خداوند متعال ذریه او را بر آتش جهنم حرام کرده است..... ۷۳

ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : محبت رسول خدا بر او اعجاز بود و این محبت اختصاص به او داشت نه دیگران..... ۷۵

ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنگامی که دستور به مباہله کرد با او و فرزندان او به مباہله رفت..... ۷۷

ذکر فضیلتی دیگر برای بتول فاطمه زهرا (علیها السلام) : رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ولی فرزندان او است..... ۸۱

ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : او از کسانی است که خداوند پلیدی و گناه را از آنها دور کرده و پاکیزه نموده است..... ۸۳

ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : او بعد از رسول خدا اولین نفر است که وارد بهشت می شود و فرزندان او با آنهاست..... ۸۵

ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا (علیها السلام) : او در روز قیامت در حظیره

- ۸۵ قدس با شیعیانش است.
- ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا علیها السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله با دشمنانش در حال جنگ و با دوستانش در صلح و صمیمیت است. ۸۷
- ذکر فضیلتی دیگر برای فاطمه زهرا علیها السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام خواب او به نزدش آمده و دعائی به او یاد داد تا با آن دعا کند. ۹۱
- ذکر معجزه‌ای از «دلائل النبوة» که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن معجزه را اختصاص به حضرت فاطمه قرار داده است نه دیگران. ۹۳
- ذکر فضیلتی دیگر برای حضرت فاطمه علیها السلام : ابوبکر و عمر او را از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری کردند. ۹۵
- ذکر فضیلتی دیگر برای حضرت فاطمه علیها السلام : از صفات آن حضرت است که احدی از زنان به آن حضرت شبیه نرود. ۱۰۱
- ذکر فضیلتی دیگر برای سرور زنان دو عالم حضرت فاطمه علیها السلام : هیچ حیض و نفاسی ندید. ۱۰۱
- ذکر فضیلتی دیگر برای سرور زنان حضرت فاطمه علیها السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که فاطمه با علی علیه السلام خوابیده بودند بر آن دو وارد شده و دعائی را به آنها تعلیم داد. ۱۰۳
- ذکر مرثیه‌ای بر سرور زنان که آن حضرت با آن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عزاداری می‌کرد که آن از اجل فضیلت اوست. ۱۰۵
- ذکر آنچه که سرور زنان عالم حضرت فاطمه علیها السلام دختر سرور پیامبران

- و رسولان برگزیده عالمیان محمد فرستاده پروردگار دو عالم از پدرش
به آن اسناد داده شده است..... ۱۰۷
- صحیح ترین روایات درباره عمر حضرت زهرا که بعد از رسول
خدا صلی الله علیه و آله زنده بود:..... ۱۱۱
- ذکر روایات حضرت علی علیه السلام از فاطمه زهرا علیها السلام..... ۱۲۵
- ذکر کسی که این روایت را از امیرالمومنین علی علیه السلام از اسنادی از جمله
آنها عبیده بن عمرو سلمانی نقل کرده است..... ۱۳۳
- این حدیث را سائب بن مالک و ابوعطاء بن سائب از امیرالمومنین
علی علیه السلام روایت کردند..... ۱۳۷
- روایتی که حماد بن سلمه و سفیان بن عیینه از عطاء بن سائب نقل
می کنند..... ۱۴۱
- حارث بن عبدالله همدانی این حدیث را از امیرالمومنین علیه السلام روایت
می کند..... ۱۴۳
- ابوامامه صدی بن عجلان باهلی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله این
حدیث را از امیرالمومنین علیه السلام روایت می کند..... ۱۴۵
- شبت بن ربعی حارثی این حدیث را از امیرالمومنین علیه السلام روایت
می کند..... ۱۴۷
- ابو مریم ایاس بن صبیح حنفی این حدیث را از حضرت علی علیه السلام
روایت می کند..... ۱۴۹
- عبدالله بن یعلی این روایت را از امیرالمومنین علی علیه السلام نقل

می‌کند.	۱۵۳
هانی بن هانی حنفی این روایت را از امیرالمومنین علی علیه السلام نقل	
می‌کند.	۱۵۳
هیرة بن بریم بجلی این حدیث را از امیرالمومنین علی علیه السلام روایت	
می‌کند.	۱۵۵
عمارة بن عبد خیوانی از امیرالمومنین علیه السلام این حدیث را روایت کرده	
است.	۱۵۷
روایت عمارة بن ابد از حضرت علی علیه السلام	۱۵۹
بقیه روایت امیرالمومنین علیه السلام از سرور زنان عالمین حضرت فاطمه	
زهرائمه علیها السلام	۱۶۱
ذکر روایت سرور جوانان بهشت حسن بن علی علیه السلام از مادرش سرور	
زنان دو عالم حضرت فاطمه زهرائمه علیها السلام	۱۶۵
ذکر روایت سرور جوانان بهشت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام از	
مادرش حضرت فاطمه زهرائمه علیها السلام سرور زنان دو عالم.	۱۶۷
روایت عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب از حضرت فاطمه دختر	
رسول خدا صلی الله علیه و آله	۱۶۹
حدیث یحیی بن سلیم که معمر بن راشد و همچنین روایت اهل شام	
از او پیروی کرده‌اند.	۱۷۵
روایت ابوهریره از سرور زنان حضرت فاطمه علیها السلام	۱۹۳
روایت عائشه از سرور زنان اهل بهشت فاطمه زهرائمه علیها السلام	۲۱۱

- حدیث زکریا بن ابی زائده: ۲۱۹
- حدیث ابو عوانه از فراس: ۲۲۱
- حدیث عبدالله بن طفیل از عائشه: ۲۲۷
- حدیث عائشه دختر طلحه از عائشه: ۲۲۷
- روایت جابر بن عبدالله انصاری از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۲۳۳
- روایت ثوبان غلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) .. ۲۴۳
- روایت براء بن عازب انصاری صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۲۴۵
- روایت ام سلمه از و زنان فاطمه زهرا (علیها السلام) ۲۴۵
- روایت عمران بن حصین صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۲۴۷
- روایت انس بن مالک انصاری خادم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۲۵۱
- روایت ابوسعید خدری از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۲۶۱
- روایت عبدالله بن عمرو بن العاص سهمی صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۲۶۱
- روایت فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) از مادر بزرگش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۲۶۵
- روایت صفیه دختر عبدالمطلب از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۲۷۹
- روایت اسماء دختر عمیس از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۲۷۹

روایت ابی فاخته صحابه رسول خدا ﷺ از حضرت فاطمه زهرا ﷺ	۲۸۳
روایت عبدالله بن عمر از حضرت فاطمه زهرا ﷺ	۲۸۳
روایت عبدالله بن مسعود از حضرت فاطمه زهرا ﷺ	۲۸۵
روایت ابوطیفیل عامر بن واثله از فاطمه زهرا ﷺ	۲۸۷
روایت أم هانی دختر ابوطالب از حضرت فاطمه زهرا ﷺ	۲۸۹
روایت حابس بن سعد طائی از حضرت فاطمه زهرا ﷺ	۲۹۱
روایت زینب دختر حضرت علی ﷺ از حضرت فاطمه زهرا ﷺ که از آن حضرت نشنیده است	۲۹۱
روایت فاطمه (وسطی) دختر علی ﷺ از حضرت فاطمه زهرا ﷺ که از آن حضرت نشنیده است چرا که حضرت علی فرزندی از غیر حضرت فاطمه نداشت تا اینکه فاطمه ﷺ از دنیا رفت	۲۹۵
روایت عمرو بن شرید بن سَیْد از حضرت فاطمه زهرا ﷺ	۲۹۵
روایت ابوذر غفاری از حضرت فاطمه زهرا ﷺ	۲۹۷
زید بن علی بن حسین ﷺ از کسی که از حضرت فاطمه زهرا ﷺ روایت کرده است	۲۹۷